



سرنوشت مرگ و زندگی را به دستان پلید نظام نسپاریم

مظفر محمدی

فاجعه ویروس کرونا در ایران به یک راز و رمز تبدیل شده است. از طرفی دروغ و ریا و فریب و شیادی و بازی با زندگی مردم توسط دولت و سران جمهوری اسلامی است و از طرف دیگر انباشته شدن اجساد مردگان در مقابل چشمان مردم در خلوت خود در منازل، در خیابان ها، در محل های کار، راننده اتوبوس پشت فرمان، کارمند پشت میز اداره و آنطور که پزشکان گفتند و می گویند بیمارستان های مملو از جنازه در قم و مازندران و خیلی از شهرهای دیگر ایران و ردیف هزاران گور کنده شده و آماده. بخش زیاد فوت شدگان و اکثریت مبتلایانی که هرگز تست نشدند. .. صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

hekmatist.com

۳۰۲ هفتگی

۹ آوریل ۲۰۲۰ - ۲۱ فروردین ۱۳۹۹
پنجشنبه ها منتشر میشود

حکمتیست

«خطرناک تر» از کرونا در راه است



فواد عبداللهی

اظهارات نژادپرستانه دو پزشک فرانسوی در شبکه تلویزیون رسمی این کشور، جامعه فرانسو و فضای شبکه های مجازی در جهان را بهت زده کرد و بلافاصله به انتقادات وسیعی علیه شان دامن زد. این دو پزشک اعلام کردند که «احتمالا سخنانشان تحریک آمیز باشد اما چرا نباید برای بررسی اثر واکسن کرونا روی بیماران کرونایی از آفریقای ها استفاده کرد؛ جایی که نه ماسکی در کار است؛ نه معالجه ای، نه درمان و عملیات نجاتی»!!
در حالیکه کرونا سرنوشت بشریت کره خاکی را مستقل از زمان و مکان، به هم پیوند زده است، در حالیکه تمام قراردادهای اجتماعی بورژوازی را به ضد خود تبدیل کرده و مرزهای فکری، فرهنگی، ملی، نژادی و جنسی را از اعتبار انداخته است، در حالیکه همه میدانند که مقابله با آن، راه حل «ملی» ندارد، و شتری است که دم در همه لم داده است، اما ظاهرا آقایان در این فضای شوک، «فرصتی» یافته اند تا «مطالعات ژنتیکی» پزشکان آلمان نازی روی اسرای اردوگاه آشویتس را اینبار روی مردم «آزاد» آفریقا تکرار کنند؛ ظاهرا آن «تحقیقات» و آن شکنجه ها که منجر به مرگ و مسخ میلیونها بیگناه در جوار جنگ جهانی دوم شد، از نظر آقایان کافی نبوده و باید راه «نیاکان» نازی شان را از سر گیرند!! اما اگر عروج هیتلر در اروپا یک تراژدی بود، قطعاً تکرار فاشیسم در اروپا، کمدی است. نمیتوان بعد از تجربه آن تراژدی سیاه، به جنبش ریشه دار سوسیالیستی و افکار عمومی جوامع متمدن غربی، فاشیسم و ترامپیسم را خوانند و اعلام کرد که آفریقا «موش آزمایشگاهی» است! که کرونا «چینی» است؛ که بمباران خاورمیانه و کشتار میلیونها نفر و حبس پناهجویان در گتوها «به من ربطی ندارد»! که بهداشت رایگان و حفظ محیط زیست، مانعی بر سر راه کسب و کار است! دیگر نمیتوان یک لحظه، روان را از مسیر واقعی زندگی کج کرد، پیچ تلویزیون را خاموش کرد و به خلسه رفت به امید اینکه خطر فلاکت و تباهی از خاورمیانه و آفریقا به اینطرف آنها نمیرسند؛ خیر! قریب به اتفاق مردم جهان میدانند که آن جانور و موجود پیچیده ای که بیمرز و بی ترمز و آشکارا، مدام جان انسانها را میکیرد، کرونا نیست، اما بخشا در کرونا تجلی یافته است. .. صفحه ۳

مردم را به کام مرگ می فرستند!

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی) صفحه ۶

برای دستمزدها با تلنباری از کینه طبقاتی



مصطفی اسدپور صفحه ۴

عقربه ها به عقب بر نمی گردند

امان کفا

هرچند منابع رسمی تعداد مبتلایان به ویروس کرونا در ارقام میلیونی و قربانیان آنرا دهها هزار نفر اعلام می کنند، اما حتی کشورهای «دمکرات» مدعی شفافیت در غرب، از اعلام تعداد واقعی کسانی که جان خود را در اثر این ویروس از دست داده اند، سر باز می زنند و .. صفحه ۵

صفحه ۴

مقدمه ای بر کتاب:

تشکل یابی توده ای طبقه کارگر جنبش شورایی و مجامع عمومی کارگری

ایجاد کمیته های دفاع در مقابل کرونا یک امر ضروری و حیاتی است. کمیته های دفاع مردمی از فعالین و شخصیت های انسان دوست، از پزشکان و پرستاران مسئول و شرافتمند، برای مقابله با این خطر جدی تشکیل دهید! کمیته هایی که در محلات و شهرها بر امور حفاظت از جان مردم اشراف دارند و بر تامین امکانات کافی و فوری از جانب نهادهای دولتی نظارت می کند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

Worker-communist Party Hekmatist

hekmatist.com

آزادی برابری حکومت کارگری

بحالت عادی بر میگردد. شعار حسن روحانی سخنگوی دلقک نظام این است که همه چیز خوب است، بیماری کنترل شده و ما از پیک «نقطه اوج» عبور کردیم. این ادعا در ادامه دروغ های سیستماتیک و بیشرمانه ای است که بارها حتی از جانب نزدیکان خودشان در وزارت بهداشت و مجلس تکذیب شده است. سازمان نظام پزشکی ایران می گوید: «منحنی شیوع بیماری کووید-۱۹ هنوز به نقطه ی اوج یا پیک نرسیده و آمار ابتلا به بیماری کووید-۱۹ قطعاً بیشتر از آمار است که توسط وزارت بهداشت ارائه می شود».

به گزارش ایسنا رییس نظام پزشکی ایران اعلام کرده که: «بعضی مسئولین اعلام کردند که به پیک بیماری کووید-۱۹ رسیده ایم ولی این گفته صحیح نیست. مطالعات همکاران ما در مورد اپیدمیولوژی نشان می دهد ما هنوز در شیب صعودی قرار داریم و همه چیز به رفتار مسئولین و مردم بستگی دارد».

رفتار مسوولین چیست؟

رفتار مسوولین در ستاد بحران و بنا به دستور رهبر نظام این است که همه چیز به حالت عادی بر میگردد. مراکز تولید و تجارت و خدمات، کار را از سر میگیرند. دوسوم کارگران و کارکنان با بخشی از دستمزد کار می کنند و بقیه در مرخصی اجباری بدون حقوق می مانند. می گویند افغانی ها سر بار شده اند و باید خود مخارج بهداشت و درمان را بپردازند، بروند و یا آنها هم بمیرند.

کسی منکر این واقعیت تلخ باشد فقط یک شیاد است. و اگر مردم هم این خطر را حس نکنند و دنبال تصمیمات مجرمانه دولت بیفتند و باورشان کنند، به این معنا است که جامعه ما با دروغ و فریب و ریا و بی تفاوتی دولتمردان، بیمار، فلج، مستاصل و اسیر شده است.

رفتار و تکلیف مردم چیست؟

آیا مردم زیر بار تداوم این فاجعه ی انسانی می روند؟ آیا مردم باید باز هم و باز هم تاوان سیاست های ضد انسانی یک دولت تا مغز استخون فاسد و دروغگو را بدهند؟ قتل عام پشت قتل عام، کشتار پشت کشتار، کشتارهای جمعی دهه شصت، قتلهای زنجیره ای، ترورهای بیشمار داخل و خارج کشور، حمله به کوی دانشگاه، کشته های دیمه و ابان و شلیک موشک به هواپیمای مسافری، وارد کردن کرونا به کشور و باز گذاشتن دست ویروس هر اندازه که بتواند بکشد.

آیا ظرفیتی برای پذیرفتن تاوان دیگری باقی مانده است؟

بعد از دو ماه کشتار و قتل عام کرونا و تحت فشار افکار عمومی با سلام و صلوات و قدردانی از رهبر «معظم»، یک میلیارد از صندوق توسعه ملی به موضوع کرونا تخصیص یافته است. مبلغی ناچیز که در مقابل داراییهای ضبط شده ی جامعه، هیچی نیست. فقط این صندوق طبق آمار خودشان در سال ۹۴ بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار ذخیره دارد. از همین صندوق یک قلم دویست میلیون دلاری به سپاه قدس داده شده و یک مقام پاسداران گفته است که حقوق هزاران نیروی وابسته ی برون مرزی «فاطمیون در سوریه» را پرداخت کردیم.

جمهوری اسلامی کل داراییهای جامعه را در صندوق ذخیره ی شخص خامنه ای که بالغ بر دویست میلیارد دلار است، دارایی بنگاه های زیر مجموعه ی بیت رهبری، بنیاد مستضعفین، صندوق ذخیره ی امام، آستان قدس رضوی، بودجه سازمان اوقاف و امور خیریه و تبلیغات

جامعه ی بشری و مردم ایران از عمق فاجعه ای که میگذرد بی خبرند. پخش اخبار واقعی ممنوع شده است. دهان پزشکان و مراکز درمانی را بسته اند. حراست و ماموران اطلاعات سپاه مردگان را به کرونایی و غیر کرونایی تقسیم و بر تابوت هایشان می نویسند فوت بر اثر بیماری کلیه و قلب و غیره.

همه چیز در هاله ی ابهام است. آیا عمق فاجعه ی کرونا در ایران کم تر از ایتالیا و اسپانیا و امریکا است؟ مطلقاً اینطور نیست. در ایران معجزه ای رخ نداده است. واقعیات پنهان شده اند. همانطوریکه کشتار بیش از دوهزار نفر در آبان ۹۸ تا کنون پنهان و بی جواب مانده است و معلوم نیست چه بر سر ده هزار دستگیر شدگان آبان ماه آمد؟

آمارهای غیر رسمی، مبتلایان را تا دو میلیون و جانباختگان را ده ها هزار نفر تخمین می زنند. حتی اگر مبتلایان حداقل یک میلیون باشد، با احتساب پنج در صد مرگ و میر مبتلایان کرونا در ایران، میزان کشته شدگان بالغ بر ۵۰ هزار نفر است. از همان آغاز در شهر قم و سپس شمال ایران قتل عام رخ داد که پنهان شد. ردیف کشته ها در سردخانه ها و گورستان های جمعی و ردیف طولانی گورهای کنده شده فقط گوشه ای از این قتل عام را نشان داد.

از همان اوایل شیوع بیماری گفتند «چیزی به نام قرنطینه نداریم». گفتند تا چند روز دیگر (شنبه معروف روحانی شیاد) مملکت به حالت عادی بر میگردد. اوضاع که بدتر شد گفتند درخانه بمانید. در حالی که ادارات باز بود، کارخانه ها کار می کردند، زندان ها پر بود، سربازخانه ها پر بود، معتادها، گورخواب ها و کودکان کار در خیابان ها پرسه می زدند، تن فروشان دنبال مزد نان خانواده هایشان و بیکاران و کارگران فصلی دنبال تامین هزینه نان سفره روزشان... بودند.

قرار شد این بخش جامعه در خانه بمانند ولی با خرج خودشان. کدام خرج؟ کدام پول؟ کدام نان؟ امر دولت نبود. در خانه بمانید و ما مسوول سفره خالیان نیستیم. در خانه بمانید ولی ما لوازم بهداشتی نداریم به مردم بدهیم. اما مردمان حاشیه ی شهرها نتوانستند در خانه بمانند و می دانستند چه در خانه بمانند و چه در خیابان ها دنبال نان روزانه، مرگ در کمین شان است. شعار در خانه بمانید معنی ای جز اینکه در خانه بمانید و بمیرید، نداشت.

شعار تو خالی و فریبکاری و دروغ «در خانه بمانید» در واقع توجیهی برای نپذیرفتن قرنطینه ی رسمی و اشکار با قبول مسوولیت های آن است. قرنطینه ی داوطلبانه ای که اگر نشد، مقصر خود مردم قلمداد شدند. امروز و تارسیدن به منحنی که سرش بطرف پایین کج بشود، پیش بینی این که چند میلیون مبتلا و چند ده هزار کشته بدهیم دور از انتظار نیست. این عمق فاجعه ای است که مردم باید بدانند. دولتمردان ایران گوششان به این آمارها بدهکار نیست. برای آنها فرقی نمی کند امار چقدر است. آنها برای مردن انسان مرزی ندارند. مهم این است چرخ تولید و اقتصاد بچرخد. اقتصادی که بدون کرونا هم برای اکثریت مردم چند برابر زیر خط فقر خیری نداشته است. کسانی که به بهانه ی نجات اقتصاد، جان عزیزان ما را فدا می کنند، شیادانی بیش نیستند. محققین خودشان می گویند، بحران اقتصادی ایران نه تحریم است و نه کرونا! عامل همه بحران های اقتصادی و فقر و فلاکت جامعه و وارد کردن ویروس به ایران جمهوری اسلامی است.

آخرین اقدام دولت این است که مراکز تولید باز میشوند و جامعه

مشور سرنوشتی جمهوری اسلامی را به رحم خود تبدیل کنید

اسلامی و ده ها مرکز صنعتی و تجاری و مسکن سازی و صادرات و واردات در دست سپاه و بسیج و غیره، جمع کرده است.

داریایی که برای تامین رفاه کل جامعه کافی است تا چه رسد به هزینه ی یک تا دو ماه قرنطینه ی کامل مناطق بحرانی.

حتی سوال این است که همین مبلغ ناچیز یک میلیارد یوروی صندوق توسعه ملی، دست کیست و چگونه خرج می شود؟ آیا در فاصله دست به دست شدن آن اختلاس و احتکار نمیشود؟ مردم در همین شرایط مرگبار و قتل عام کرونا با چشمان خود دیدند که سپاهیان اسلام، لوازم بهداشتی و درمان را احتکار کردند، دزدیدند و در بازار سیاه به چند برابر قیمت فروختند و به بیمارستان ها ندادند. به پزشکانی که فریادشان بلند شد، گفتند اذهان عمومی را مشوش نکنید!

مردم می پرسند، مرجع صلاحیتدار هزینه ی کرونا کیست؟ ستادی که به مردم دروغ میگوید صلاحیت دارد؟ صد البته که ندارد. این مثل روز روشن است. آیا با این بودجه به بیکاران بیمه بیکاری و به فقرا و نیازمندان مستمری داده می شود؟ آیا شهرها و مناطق بحرانی قرنطینه شده و مایحتاج مردم تضمین می گردد؟ آیا لوازم کافی بهداشتی و درمان به بیمارستان ها و مراکز بهداشتی و پزشکان و پرستاران می رسد؟ تجربه نشان داده است که جواب این سوال ها منفی است. این بودجه ی ناچیز بین نهادهای بوروکراتیک دولتی و سپاهی و بسیج برای مانور و نمایشهای نفرت انگیز تا کنونی تقسیم می شود. تا زمانی که مراجع صلاحیت دار مدیریت بحران از کادرهای درمانی کشور و نمایندگان واقعی مردم در شهرها و محلات تعیین نشده است، امیدی به پایان فاجعه انسانی کووید-۱۹ نیست.

کارگران! مردم!

روزها و ماه های بعد از کرونا خواهیم دید که پزشکان و کادرهای درمانی و کارگران سردخانه های کشور زبان باز خواهند کرد و حقایق نگفته را خواهند گفت و نوشت. داستان دردناک همسروستان و عزیزان از دست رفته ی ما در این مدت و عمق فاجعه ای که پنهان شد و به مردم گفته نشد و مردمی که حتی فرصت نکرده اند بر جنازه ی عزیزانشان گریه کنند! ما را خواهد لرزاند! با مشاهده ی حجم عظیم حضور خانواده های داغدار در خاوران های جدید، خواهیم دید که چه بلایی سر ما آمده است! منتظر این روز نشینیم. سرنوشت مرگ و زندگی را دست شیبان و دروغگویان و فاسدین نظام جمهوری اسلامی نسپاریم. دروغ بزرگ و مجرمانه ی عادی نشان دادن اوضاع را باور نکنیم! کارگران و کارکنان جامعه بدون تضمین جامعه پزشکی در باره وضعیت بحران کرونا سر کار نروند. سلامت و امنیت کارکنان مراکز که بنا به ضرورت باز خواهند بود، باید تمام و کمال تضمین شود. شهرها و مناطق بحرانی قرنطینه شده و امکانات بهداشتی و سلامت و تغذیه مردم این بخش ها تامین و تضمین شود. سران نظام جمهوری اسلامی مقصر تاوان مرگباری هستند که به جامعه ما تحمیل کرده اند. اختصاص یک میلیارد یورو در مقابل هزاران میلیارد دلار دارایی ذخیره شده در نگاه ها و بانک ها و جیب های سردمداران نظام، مبلغ ناچیزی است. دولت مردان این نظام صلاحیت هزینه کردن همین اندازه پول را برای مقابله با بیماری کرونا و نجات جامعه ندارند. آستین ها را بالا بزنید و برای نجات جامعه از این مصیبت پا پیش بگذارید و از هر راه ممکن صدایتان را بلند کنید! سکوت نکنید! تسلیم نشوید! تلاش امروز شما در دفاع از زندگی و زنده ماندن، راه را برای رهایی نهایی از نکبت های این نظام هموار می کند.

«خطرناک تر» از کرونا ...

این ماهیت طبقاتی نظام حاکم بر جهان ما است که لخت و عور در مقابل تامین ابتدایی ترین نیازمندی های بشر مانند بهداشت، مهد کودک و شیرخوارگاه، بیمه بیکاری و خدمات اجتماعی رایگان، از قضا اینبار بیش از همه جا در مهد ثروتمندترین کشورهای جهان سپر انداخته است؛ نظامی که سالخوردهگان، معلولان، کودکان، بیکاران و بخش اعظم زنان در جهان را عملاً فرسوده و خارج از مدار تولید بحساب میآورد؛ نظامی که ارزش انسان در آن، به قطر کیف پولش بند است؛ نظامی که خشونت و تبعیض در حق زنان در آن نهادینه است؛ که نژادپرستی و زن ستیزی ترکش های فرهنگی آنند؛ نظامی که در آن سلطه سرمایه اصل است و مدنیت، رفاه و آزادی بشر منتفی است؛ کرونا، منجلا ب اقتصاد و تجارت کاپیتالیستی را بالا آورد و با کنار زدن همه اوهام ناسیونالیستی، مذهبی، قومی، نژادی و جنسی که تاریخا سرمایه داری بر متن بازتولید این طوق ها، حکم رانده و بشریت را مسخ و تقسیم کرده است، کاتالیزور این اصل اساسی شد که نظام سرمایه داری در مقابل حقوق جهانشمول انسان ایستاده است؛ که این نظام نه تنها برزخی میان گذشته و آینده است بلکه تاریخ واقعی رهایی انسان تازه با فروپاشی مناسبات سرمایه داری و عبور از این برزخ شروع میشود. باید اوضاع امروز را از زبان بی زبان سران دولتها و کانونهای فکری بورژوازی در غرب شنید؛ یک نکته که بعنوان یک جمله ساده، همه قریب به اتفاق بر سر آن هم نظراند به واقعیاتی فراتر از افکار پوسیده این دو پزشک فرانسوی و دنیای روانی شان اشاره میکند: اصل شکنندگی نظام سرمایه داری!

بحران سلامت یک بحران «ملی» نیست؛ مختص به یک خطه نیست؛ بحرانی است جهانشمول که همه دولتهای حافظ مصالح بورژوازی را نزد توده شهروندان از مشروعیت سیاسی و اخلاقی ساقط کرده است. حل این بحران منوط به مغز معلول این دو پزشک فرانسوی نیست؛ ایندو آنقدر عقل داشته اند که سرانجام «کشفیات» شان را در حمله به ضعیف ترین حلقه های جوامع بشری در آفریقا جستجو کنند. منشاء این انحطاط فکری و فرهنگی، دنیایی است که دزدان دریایی اش در قامت دولتمردان و سیاستمداران، در جنگ تجاری شان علیه همدیگر، شهروندان جهان را با هویتهای کاذب ناسیونالیستی به جان هم می اندازند؛ همان دنیایی که تاریخا «سیاهان» را در راه و رسم زمختش، بی ارزش تعریف کرده است. آنچه معلوم است، آغاز شمارش معکوس مصالح بورژوازی در نگاه به جامعه، انسان و خوشبختی است؛ از «اکونومیست» تا «فایننشال تایمز» که تا دیروز ستون دفاع از «آزادی» بیزینس و بازار بودند، ناگهان به «منتقدین» سیاست های چهاردهه گذشته بازار شیفت کرده اند؛ به دولتها هشدار میدهند که عواقب بربریت تحمیل شده به میلیاردها انسان را به تن خود بمالند؛ هشدار میدهند که جهان پسا کرونا «خطرناکتر» از کرونا است؛ اوضاع را دریابید!! «خطر» امید به کمونیسم و انترناسیونالیسم طبقه کارگر در راه است! آرمانی که اگر برخیزد همه افکار و تعصبات کور ناسیونالیستی و نژادی را دود هوا میکند. کرونا بر تعجیل در بدست گرفتن «مانیفست کمونیست» و اتحاد کارگران جهان علیه سرمایه داری تاکید میکند. که نه تنها دست غیبی در کار نیست بلکه باید با شناخت از موقعیت کلیدی طبقه کارگر در متن جهان امروز، دست به قدرت سیاسی برد و بشریت را آزاد کرد.

باز به حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شورالما است

برای دستمزدها با تلنباری از کینه طبقاتی

مصطفی اسدپور

کمتر خبری در دنیای رسانه های ایران همانند خبرهای مربوط به اجلاس شورای عالی کار و تب و تاب تعیین دستمزد حداقل سال ۱۳۹۹ مورد توجه قرار گرفته است. در جزئیات خبر میتوان تعقیب نمود که جلسه از همان آغاز خود در ساعت شش بعد از ظهر بر سر اختلاف میان نماینده کارفرمایان با رقم ۱۵ در صد و «نمایندگان کارگران» با رقم ۴۵ درصد دچار شکاف بوده است. در ادامه میانجیگری ۲۱ درصدی دولت با موافقت طرف کارفرمایان و ترک جلسه از طرف «نمایندگان کارگری» روبرو شده است.

این مصوبه، در فراز همه تحولات سیاسی ایران، مهمترین خبر سال ۱۳۹۹ در ایران ماندگار است و با هزار و یک بیان خود را به مشغله ها و کشمکش های جامعه تحمیل خواهد کرد. بازار گرمی خانه کارگر تاثیر بسزایی در «داغ کردن» خبر جلسات شورای عالی دستمزد داشت، دوایر «کارگری» حکومتی دکان و کاسبی خود را گرم نگه میداشتند، اما مساله دستمزدها بخودی خود، به اندازه خود زندگی سوزان و تب آلود بود. کسی انتظار معجزه از مصوبه دستمزد نداشت، زمانیکه رهبران و دولت و مجلس، خود شب و روز بر کوس فقر و تباهی میکوبند، کمتر کسی تره اعتنا و امید برای شورای عالی دستمزد خرد میکنند. اما واقعیت زندگی چشم ها را به هر منفذ میکشاند. واقعیت سرسخت دستمزد، که با ۲۱ درصد نمیشود حریف زندگی شد، واقعیت سرسخت تر دستمزدها که خود باید فکری برای هزار و یک درد بیدرمان زندگی کرد.

تا چند ساعت دیگر، صبح روز ۲۱ فروردین، چهل میلیون نفر عضو خانواده کارگری چشم به روز مصوبه باز میکنند که حکم بردگی شان را بر تارک خود دارد، تا آنجا که به محاسبه نیازها و اتمام حجت نمایندگان کارگری مربوط باشد، حرف حساب قبلا در بیانیه سندیکای هفت تپه شمرده و روشن به استحضار عموم رسانده شده است. هیچ چیز مزخرف تر از اطوار شورای عالی دستمزد در تامین حداقل معیشت کارگران نیست. این نمایش برای تحمیل توأم بحران، تورم، گرانی و بهره کشی وحشیانه است. دستمزد مصوبه «نیمه پر» لیوان نیست، نمایش تهاجم ترسناک و بیرحم بورژوازی است که آخرین تکه پلاس را هم از زیر پای کارگر بیرون میکشد. مصوبه دستمزدها حکایت حقوق و مزایا و برخورداری های کارگران نیست. این زنجیره ای در نابودی فیزیکی، معنوی و اجتماعی طبقه کارگر است. با مصوبه دستمزد قرار است آفتاب روز ۲۱ از کدام قبرستانی سر بر آورد؟

جانوران اسلامی سرمایه و شورای عالی دستمزدشان خواب کدامین توطئه فرسودگی و تسلیم و تباهی را برای کارگران دیده اند؟

هر چه باشد، این مصوبه، هر قدر نفرت انگیز، همانقدر ضد کارگری که براننده ذات کثیف طبقاتی بورژوازی، به همان اندازه که توطئه گرانه و جنایتکارانه که انباشته از مودی گری و جبن خانه کارگری رقت آور؛ در عین حال این مصوبه یک ورق پاره است که باید هر روز و هر ساعت یکبار از روی تخت سینه غرور و حق طلبی، از مخاطره طاقت تاق شده، از تدارک چاره جویی و همبستگی کارگری در راه صف مقتدر طبقاتی کارگری بگذرد.

کینه! تلنبار کینه در رگهای طبقه کارگر خود به عاملی بازدارنده در مقابل نیروی محرکه عظیمی تبدیل شده است که در عطش تصفیه حساب سوزان، نبردهای عاجل خود را دست کم میکشد. نبرد بر سر دستمزدها، باید پرچم «فقر و مظلومان» در مقابل «آخوندهای دزد و رانت خوار» را کنار بگذارد و با اعتماد بنفس و قامت افراشته کینه و کیفخواست عمیق و تسلی ناپذیر علیه استثمار و علیه سلطه سرمایه را در جامعه به حرکت دریاورد.

زنده باد حکومت کارگری

مقدمه ای بر کتاب:

تشکل یابی توده ای طبقه کارگر جنبش شورایی و مجامع عمومی کارگری

چند سال گذشته ما شاهد تحولات اعتراضی وسیع در جامعه بوده ایم. اعتراضات و اعتصابات کارگری، معلمان، دانشجویان، مردم محروم و جنبش وسیع اعتراضی آنها در دیماه ۹۶ و آبان ۹۸، اعتراض زنان، پرستاران و... گویای دوره ای جدید از رویارویی جنبش برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه با سیستم کاپیتالیستی حاکم بر جامعه است. فضای جامعه ایران تماما تحت تاثیر این اعتراضات با محوریت رفاه و بهبود زندگی، آزادی و برابری و امنیت چرخیده است. امروز نه جمهوری اسلامی در موقعیت گذشته است و نه مردم ایران! جامعه ایران از جمهوری اسلامی عبور کرده است و مردم در سطح وسیع و توده ای تنها راه رسیدن به هر درجه از بهبود و آزادی را در کنار گذاشتن جمهوری اسلامی میبینند و به همین اعتبار رفتن و سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان اولین قدم در راه تامین یک زندگی مرفه و انسانی در دستور طبقه کارگر و بخش محروم جامعه قرار گرفته است. طبقه کارگر در تحولات این دوره نقش محوری داشته است.

اعتراضات این دوره چه اعتصابات بزرگ کارگری مانند اعتصابات هفت تپه و فولاد اهواز، اعتصابات کارگران هپکو و آذر آب و اعتراضات در پتروشیمی ها و...، خواست و مطالبات عدالتخواهانه آنها، عروج رهبران و سخنگویان برابری طلب در اعتراضات این دوره، مهر یک عدالتخواهی کارگری و سوسیالیستی را به تحولات سیاسی جامعه ایران زده است و توجه و سمپاتی عمومی جامعه را به خود جلب کرده است. تحولات این دوره و تغییر توازن قوا به نفع طبقه کارگر و بخش محروم جامعه، عروج یک عدالتخواهی سوسیالیستی کارگری در دل این تحولات، بار دیگر ضرورت تشکل یابی کارگری و نیاز به اتحاد توده ای طبقه کارگر را به مسئله ای جدی در میان فعالین و رهبران عملی کارگری تبدیل کرده است. بحث ضرورت سازمانیابی شورایی، تشکیل مجامع عمومی کارگری و اتکا به دخالت مستقیم کارگران در اعتراضات کارگری این دوره و در جواب به نیازهای این اعتراضات، همگی در دوره ای تاریخی و در جواب به یک نیاز واقعی در جنبش کارگری ایران طرح شده اند. تجربه تاریخی مبارزات کارگری ایران چه در گذشته و چه در حاکمیت جمهوری اسلامی، نشان داده است که مبارزات کارگران برای ابتدایی ترین نیازهای اقتصادی و بهبود زندگی، حتی اعتراضات برای پرداخت حقوقهای معوقه، مستقیم پای دولت و ارگانهای سرکوب آنها به میان میکشد و عملا به یک رویارویی سیاسی با حاکمیت تبدیل میشود. این واقعیت به اضافه خصلت اعتراضات کارگری و توده ای در این دوره، عبور جامعه و قطع امید از هر نوع بهبود تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، قطع امید به هر نوع تغییر در چهارچوب نظام، ناکارایی مبارزه در چهارچوب قوانین موجود، تجربه تاریخ جنبش کارگری ایران و عبور بخش اعظم اعتصابات کارگری چه در زمان سلطنت و چه جمهوری اسلامی از چهارچوب قانون و مبارزات قانونی، دیکتاتوری عریان و خشن حاکم در جامعه، عدم آزادی تشکل یابی کارگری و عدم تحمل مبارزه در چهارچوب اتحادیه ای و نا کارآمدی مبارزه تردیویتیونی، اتکا به جنبش شورایی طبقه کارگر را به یک راه حل اساسی و جواب واقعی به این تشکل یابی در جنبش کارگری تبدیل کرده است. مجموعه این مولفه ها نیاز به اتحاد کارگری و ضرورت تشکل یابی توده ای و حزبی آنها به امری ضروری برای فعالین سوسیالیست آن تبدیل کرده است. این حقایق نیاز به اشکال تشکل یابی ای که بتواند توده کارگران را در هر شرایطی و خصوصا در شرایط پرتلاطم کنونی بسیج و امکان دخالتگری مستقیم آنها را مهیا کند و مبارزات کارگری را در چهارچوب قانونیت بورژوازی محصور نکند را به امری واقع تبدیل کرده است. کمیونتهای طبقه کارگر عموما و حزب حکمتیست (خط رسمی) مشخصا، بر تشکل یابی شورایی طبقه کارگر تاکید کرده است. ما ضمن دفاع از هر خشتی که کارگران در امر تشکل یابی مستقل خود روی خشت میگذارند، بر ضرورت اتکا به مجامع عمومی کارگری در مبارزات جاری و جنبش شورایی این طبقه به عنوان پایه و ارگانهای قدرت گیری این طبقه تاکید کرده ایم. کتاب «تشکل یابی توده ای طبقه کارگر، جنبش شورایی و مجامع عمومی کارگری»، مجموعه ای از نوشته هایی رفقای مختلفی است که به این امر پرداخته اند و دفترچه ای ارزشمند برای هر فعال جنبش شورایی طبقه کارگر است. در این جزوه بخشی از مباحث منصور حکمت در این زمینه که به جوانب مختلف تشکل یابی توده ای و اهمیت جنبش شورایی پرداخته است و علاوه چند نوشته از رفقای حزب حکمتیست (خط رسمی) را جمع آوری کرده ایم تا کمکی به فعالین کمیونتهای طبقه کارگر در امر سازماندهی توده ای طبقه کارگر در این دوره حساس باشد. ما توجه فعالین کمیونتهای این طبقه را به خواندن این کتاب و کمک به در دسترس قرار دادن آن برای فعالین و رهبران کارگری، جلب میکنیم.

زنده باد جنبش شورایی طبقه کارگر

زنده باد سوسیالیسم

حزب حکمتیست (خط رسمی) چهارم آوریل ۲۰۲۰

عقربه‌ها به عقب ...

یا اسیر شدن در اردوگاه‌های پناهندگی در مرزهای ترکیه و یونان یا پشت سیمهای خاردار در مرزهای آمریکا با مکزیک و ...!

اگر دنیا فقط در دست بورژوازی بود سرنوشت این اکثریت محروم و فراموش شده چیزی جز مرگ نبود اما دنیا را فقط بورژوازی و دول مرتجع آن نمی سازند. در مقابل این هجوم دولت های بورژوازی و محروم کردن میلیونها انسان از حداقلی از امکانات زندگی، همزمان با اشاعه کرونا، موجی از همبستگی و کمک رسانی و هم سرنوشتی در تمامی جوامع گسترش یافته است. این همان انساندوستی عمیقی است که اینبار تبلیغات میدیایی و رسمی هم نمی توانند آنرا به کلیسا و مساجد و انواع و اقسام ارگان های تحمیق و خرافات نسبت دهند. امروز این کشیشان نیستند که برای کمک به این مردم، درهای کلیساها را باز کرده اند. امروز، امام زاده ها و مساجد مراکز «پناه» بیماران نیستند. بلکه برعکس، نهادهای گوناگون مردمی، انجمن های متعدد کمک رسانی محلی همه جا به مثابه نیروی واقعی حافظ جامعه، قد علم کرده اند. این نیرو و این حرکت است که مرز و بوم و کشور را برسمیت نمی شناسد. این نیرویی است که از دهات و شهرهای کوچک در اسکاتلند گرفته تا حوالی شهر سیدنی استرالیا و آتن در یونان، به حرکت در آمده و امکانات و سرپناه را در هر حد ممکن به دست کسانیکه در این سیستم پوسیده سرمایه در معرض له شدن قرار گرفته است را فراهم می کند.

نیرویی که با جمع آوری غذا و خوراک در ایستگاه های قطار دهلی نوبه کمک رسانی می پردازد، بخشی از جنبشی است که در شمال ایتالیا، با بکار گیری خلاقیت و ابتکارات خانگی و محلی، سعی در سازمان دادن و ساختن حداقل های حفاظتی علیه اشاعه ویروس کرونا زده است، در یونان به کمک سالمندان و مردم محرومی که امکان تهیه نیازهای اولیه خود را ندارند، میرود، بخشی از جنبشی است که در گوشه و کنار ایران، با فراهم آوردن امکانات بهداشتی به پا خواسته است. این جنبشی جهانی برای نجات جان محرومترین ها است.

امروز مردم در سرتاسر دنیا مهر بی اعتباری و بی لیاقتی را بر دولت ها و سیستم و نظامی که علیرغم در اختیار داشتن آخرین امکانات و تخصص های «مدیریتی»، با مجهز بودن به آخرین سلاح های کشتار جمعی، با در اختیار داشتن آخرین و پیشرفته ترین بمب افکن ها و زیردریایی های اتمی و غیره، قادر نیستند که حداقلی از امنیت و رفاه را برای پیشگیری و مقابله با یک ویروس را سازمان دهند، زده اند.

همزمان با شیوع کرونا، ناکارآمدی و توحش نظامی که با شعار «هرکس برای خود» و اتصال همه و همه چیز به «بازار آزاد» را بر سر جامعه بشری برافراشته است، آنچنان آشکار شده است که مردم در گوشه و کنار دنیا، همه جا خود مستقیما برای نجات یکدیگر، دست بکار شده اند. اگر این نیروی انسانی، اگر این بشریت انسان دوست نبود، امروز تعداد قربانیان کرونا، بمراتب وسیع تر از این می بود. این نیرو، این جنبشی است که حتی میدیایی نان به نرخ روز خور بورژوازی، نیز نمی تواند آنرا سانسور کند. آینده، هر چه باشد، دنیای پس از کرونا در همه عرصه ها، رابطه مردم با هم، رابطه پائینی ها با حاکمین، اعتبار و اعتماد به حاکمین «دمکرات» و «دمکراسی» و ... تغییرات بنیادی خواهد کرد. در دنیای پس از کرونا عقربه ها به عقب برنمیگردند!

در بهترین حالت به تعداد کسانیکه مرگ آنها در بیمارستان ها ثبت شده اند، بسنده می کنند. در عین حال، در بسیاری از دیگر کشورها، مانند ایران، ترکیه، عربستان و ...، آمار اعلام شده مبتلایان و یا جان باختگان با ابعاد واقعی این فاجعه انسانی و تعداد واقعی قربانیان آن فرسنگها فاصله دارد.

دولت های بورژوازی در غرب، علیرغم آگاهی از پیشی به ابعاد این فاجعه، هیچ اقدام پیشگیرانه ای برای نجات جان شهروندان خود را در برنامه خود نگذاشته بودند، و زندگی و رفح نیازهای مردم را نه در درجه اول، بلکه در آخرین مرحله در نظر گرفته و می گیرند. اولویت، نجات اقتصاد و تخفیف ضرباتی است که بحران کرونا به آن وارد کرده و میکند. تامین مایحتاج زندگی و رسیدگی به وضعیت این مردم، در دستور کار این دولت ها نیست. در چنین شرایطی اعلام شعار «در خانه بمانید» برای اکثریت عظیمی در این دنیا، معنی جز مرگ ندارد.

در هندوستان، که تقریبا یک ششم جمعیت کره خاکی در آن زندگی می کنند، جامعه ای که اکثریت شهروندان آن در فقر مطلق، تبعیض و نبود امکانات بهداشتی و پزشکی زندگی میکنند، طبق آمار رسمی و دولتی، تنها چهار هزار نفر به کرونا مبتلا شده اند! و زمانیکه دولت دست راستی مودی، تحت فشار عمومی، حاضر به قبول اقداماتی برای پیشگیری میشود، در اولین مرحله، با ممنوعیت رفت و آمد بین شهرها، میلیونها کارگر روز مزد و فصلی و مهاجر بدون هیچگونه امکانات و یا سرپناهی، یا در جاده ها رها شده و یا در ایستگاه های قطار و اتوبوس، بدون هیچ امکانی عملا زندانی شده اند. تنها انتخابی که در مقابل این جمعیت وسیع و میلیونی قرار گرفته است مرگ بدست کرونا، و یا مرگ از گرسنگی است.

هند شاهدی بر این واقعیت است که اولین قربانیان یک ویروس فراگیر، پایین ترین و محروم ترین بخش های جامعه هستند. کارگران مهاجر، همه جا به همین سرنوشت محکوم شده اند. این وضعیتی است که کارگر مهاجر، «بومی» و «غیربومی» نمی شناسد. قربانیان اول و اصلی این ویروس در هند، کارگر مهاجر هندی، کارگران مهاجر سریلانکایی، پاکستانی و .. اند. اوضاع کارگر سریلانکایی و افغان در هند و پاکستان و کارگر «مهاجر» در ایران و چین و استرالیا و آمریکا و ... یکی است.

در ایران جمهوری اسلامی، همچون دیگر دولت های بورژوازی، با اطلاق مهر «مهاجر غیر قانونی»، کارگران مهاجر که به شاق ترین کارها، بدون برخورداری از کمترین حقوق ناچیزی که طبقه کارگر در ایران دارد، مشغولند و حتی از حق شهروندی هم برخوردار نیستند، را در موقعیتی قرار داده است که یا باید قادر به پرداخت امکانات پزشکی باشند، یا جزو همان آمار ثبت نشده مبتلایان به این بیماری و یا قربانیان آن، در حاشیه جامعه، در مخروبه ها و کوچه پس کوچه ها، تلف شوند.

سیاست همه، از دولت های «مهد دمکراسی» گرفته تا «توتالیتیر»، از چین و هند و ایران تا استرالیا و آمریکا، در قبال کارگران «مهاجر» و «خارجی»، این ضعیف ترین و بی حقوق ترین بخش طبقه کارگر، یکی است و این بخش از طبقه کارگر، با یک صحنه و یک سناریو روبرو است: آواره شدن در جاده ها و بیابانهای هند

نشریه، هفتگی حزب حکمتیت (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

Hekmatistx@

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

فاسد و ضد مردم را به تقبل هزینه تامین امکانات و لوازم بهداشتی و تامین زندگی مردم برای چند ماه قرنطینه مجبور کرد!

آغاز به کار همه مراکز تولید و کار در شرایطی که هیچگونه تلاشی برای کنترل و مهار کردن بیماری کرونا توسط دولت بعمل نیامده و ابعاد فاجعه از مردم پنهان نگه داشته می شود، فرستادن کارگران و کارکنان جامعه به کام مرگ حتمی است. زیر بار دشمنی آشکار دولتمردان با خودتان و خانواده هایتان و جامعه نروید! مراکز تولید و کار در شهر و مناطق بحرانی باید بسته بماند.

حزب حکمتیت (خط رسمی)

۱۷ فروردین ۹۹ - ۵ آوریل ۲۰۲۰

حکمتیت را بخوانید و آن را
توزیع و پخش کنید!

مردم را به کام مرگ می فرستند!

اطلاعیه حزب حکمتیت (خط رسمی) صفحه ۶

کارگر ایران هم برای حفظ تک تک همسرنوشتان خود و هم در قبال خانواده ها و مردم محله و شهر خود، مسئولیت سنگینی برعهده دارد.

فعالین کارگری، رهبران و شوراهای سندیکاها و انجمن های کارگری بعنوان نهاد و شخصیت های صلاحیت دار و مسئول جان و سلامت جامعه باید آستین ها را بالا زده و با چشمان باز به خطر مرگبار بیماری کرونا نگاه کنند. بدون دخالت خود کارگران و کارکنان جامعه، هیچگونه امیدی به حاکمیت فاسد و فاقد وجدان و مسئولیت اجتماعی نیست.

کارگران، کارمندان و تمام کسانی که طبق ابلاغیه دولت موظف به بازگشت به کار هستند باید با شناخت از میزان آلودگی منطقه و محل کار خود و با کسب اطلاعات موثق و علمی از مراکز درمانی و جامعه پزشکی، تصمیم بگیرند که کار را شروع کرده و یا سر کار نروند. در شهرها و مراکز کارگری تحت تاثیر شدید شیوع بیماری کرونا نباید سر کار رفت و مراکز کار و تولید و... را باید عملاً تعطیل کرد. باید دولت سلامت کارگران و کارکنانی که بنا به ضرورت حیاتی ناچار به کار کردن هستند، را تامین و تضمین کند. با بروز اولین نشانه های مبتلا به ویروس در هر محل کار، باید به فوریت تا تعیین تکلیف و تضمین سلامت بقیه کارکنان، کار را تعطیل کرد.

کارگران! کارکنان!

بدون دخالت شما و همه مردم در سراسر ایران، فاجعه انسانی که از دو ماه پیش آغاز شده است، در ابعاد هولناکی ادامه خواهد داشت. این بار هم مثل همیشه تامین سلامت و امنیت و جان مردم در دستان خود شما کارگران و مردم است. دولت حاضر به تقبل هزینه مقابله با کرونا و حفظ سلامت و جان مردم نیست. دولت و مجلس اسلامی به دستور بیت رهبری یک شبه بودجه ۲۰۰ میلیون دلاری برای سپاه قدس، برای گسترش تروریسم در منطقه، را تصویب می کند، اما از تامین امکانات بهداشتی بیش از هشتاد میلیون شهروند جامعه «ناتوان» اند! باید حاکمیت

دولت روحانی همچنان سوار بر موج کرونا، بی محابا و بی شرم و وقیح به پیش می تازد. در تمام دنیا برای پیشگیری از شیوع بیشتر بیماری کرونا از طریق بستن مرزها، تعطیلی بخش های زیادی از ادارات و مراکز کاری، منع رفت و آمد، فاصله گیری اجتماعی، ماندن در خانه و قرنطینه شهرها و مناطق بحرانی تر، تلاش های عظیمی در جریان است. اما جمهوری اسلامی بی توجه به جان و سلامت جامعه ابتدا ویروس را وارد کرد، شیوع بیماری را پنهان و انکار کرد و نهایتاً تمام کشور را درگیر خطر مرگبار کرونا ساخته و این ویروس را هم به مناطق دیگر جهان صادر نمود.

«ستاد بحران» به ریاست روحانی با کنترل پخش اخبار مبتلایان و مرگ و میر بر اثر کرونا در کشور، ابعاد فاجعه بیماری را از مردم پنهان کرده و جامعه را در مقابل بیماری بی دفاع و بی پناه گذاشته است. با شعار تو خالی «در خانه بمانید»، مانور نظامی سپاه تحت نام «کنترل رفت و آمد»، نمایش تسمخر آمیز ضد عفونی چند خیابان توسط بسیج، تن ندادن به قرنطینه و پذیرفتن مسئولیت تامین لوازم بهداشتی و بسته های خوراکی برای نیازمندان، رد کمک های پزشکان بدون مرز و... بطور کامل از زیر بار مسئولیت تامین سلامت مردم، شانه خالی کرده است.

اکنون با پایان تعطیلات نوروزی، «ستاد بحران» اعلام کرده است که از بیستم فروردین همه مراکز تولیدی و بخش اعظم ادارات بازگشایی می شوند. این دستور علیرغم هشدار وزیر بهداشت نسبت به مخاطرات و تبعات فاجعه بار این تصمیم، صادر شده است. در حالی است که متخصصین و تحقیق گران مستقل از دولت، آمار مبتلایان در ایران را از پانصد هزار تا دو میلیون و تعداد جانباختگان را بیش از ده هزار نفر تخمین می زنند.

راه اندازی مراکز کار و ادارات و... در شرایطی که فاقد امکانات بهداشتی لازم برای ممانعت از شیوع بیماری و حفظ سلامت کارگران و کارمندان و... در واقع فرستادن مردم به کام مرگ کرونا است. در شرایط بحرانی امروز و وجود حاکمیتی تا این حد ضد انسان و ضد سلامت، امنیت و زندگی شهروندان جامعه، طبقه

برای آزادی و برابری به حزب حکمتیت پیوندید